

مدل علی نقش میانجی طرحواره های ناسازگار اولیه در رابطه میان بدرفتاری عاطفی دوران کودکی با پرخاشگری بزرگسالی

بهناز شیدعنبرانی^۱، فاطمه فرهادیان^۲، علیرضا گل^۳، زهرا طبیبی^۴، سعید شکوری مغانی^۵

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، خراسان رضوی، ایران

^۲ کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، خراسان رضوی، ایران

^۳ دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، خراسان رضوی، ایران

^۴ دانشیار گروه روانشناسی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، خراسان رضوی، ایران

^۵ کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

نام نویسنده مسئول:

زهرا طبیبی

چکیده

مقدمه: هدف این مطالعه حاضر ارزیابی مدل علی نقش میانجی طرحواره های ناسازگار اولیه در رابطه میان بدرفتاری عاطفی دوران کودکی با پرخاشگری بزرگسالی می باشد.

روش: تحقیق حاضر در چهار چوب طرح همبستگی قرار می گیرد. جامعه هدف شامل تمام افراد بین ۱۸ تا ۵۰ سال می باشد، جامعه آماری پژوهش حاضر دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد و موسسات آموزش عالی شهرستان مشهد بود. حجم نمونه براساس فرمول کوکران در سطح ۵ درصد ۳۸۴ نفر انتخاب گردید. انتخاب آزمودنی ها بصورت داوطلبانه بود. بعد از کنار گذاشتن پرسشنامه های ناقص، داده های ۲۶۶ نفر مورد تحلیل آماری قرار گرفت. آزمودنی ها پرسشنامه های پرخاشگری باس - پری (AQ)، طرحواره های ناسازگار اولیه (YSQ) و پرسشنامه تجارب دوره زندگی (LEQ) به صورت داوطلبانه تکمیل کردند. برای تحلیل داده ها از آمار توصیفی (محاسبه میانگین، انحراف معیار، همبستگی های مرتبه صفر پیرسون و رگرسیون همزمان) استفاده شد. سپس تحلیل الگویابی معادلات ساختار انجام گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS و لیزرل استفاده گردید.

یافته ها: ضرایب مسیر مستقیم مدل معادله ساختاری تجارب منفی کودکی به طرحواره ناسازگار و طرحواره ناسازگار به پرخاشگری ۰/۶۴ است که آزمون T معناداری این مسیرها را نشان می دهد. ضرایب مسیر نشان می دهد که اثر کلی تجارب منفی اولیه کودکی به پرخاشگری ۰/۴۶ است که سهم مسیرهای غیرمستقیم ۰/۲۴ و مستقیم ۰/۲۲ است.

نتیجه گیری: می توان نتیجه گرفت که طرحواره های ناسازگار اولیه، رابطه میان تجارب بدرفتاری عاطفی دوران کودکی با پرخاشگری را تحت تاثیر قرار می دهد و مدل علی نقش میانجی طرحواره های ناسازگار اولیه در رابطه میان بدرفتاری عاطفی دوران کودکی با پرخاشگری بزرگسالی تایید می گردد.

واژگان کلیدی: پرخاشگری، بد رفتاری عاطفی، طرحواره ناسازگار اولیه

مقدمه

رفتار پرخاشگرانه یکی از مشکلات بسیاری از جوامع امروزی است، چون می‌تواند موجب آسیب به افراد شده و سلامت عمومی در جامعه را به خطر اندازد [۱]. پرخاشگری مجموعه‌ای از رفتارهای برون‌ریزانه است که مشخصه‌ی اصلی همه‌ی آن‌ها تجاوز به حقوق دیگران و پیامد آزاردهنده‌ی این رفتار است. اعمال پرخاشگرانه شامل رفتارهای جسمانی و رفتارهای کلامی نظیر تهدید کردن و مشاجره لفظی است. هر رفتار عمده‌ی اعم از کلامی یا غیر کلامی که منجر به آسیب رساندن شخصی، روانشناختی یا جسمانی، یا تخریب مالی به خود و دیگران شود و همچنین برای رسیدن به هدفی یا به منظور تخلیه هیجانی باشد، پرخاشگری محسوب می‌شود [۲]. شارما معتقد است پرخاشگری انواع متفاوتی مانند پرخاشگری فیزیکی، کلامی، غیرمستقیم و اجتماعی دارد [۱]. همچنین باس و پری پرخاشگری را در چهار زیر مجموعه‌ی خصوصت، خشم، پرخاشگری کلامی و پرخاشگری جسمانی بررسی می‌کنند [۳].

دودگ و پتیت پیشنهاد می‌کنند که پرخاشگری باید در یک چشم‌انداز زیستی - روانی - اجتماعی بررسی شود، به این معنا که گرایش زیستی و زمینه‌ی اجتماعی - فرهنگی، ریسک تمایلات پرخاشگرانه در افراد را افزایش می‌دهد و در این بین، تجارب زندگی نقش میانجی را ایفا می‌کند. ژنتیک و عوامل اجتماعی - فرهنگی احتمال درگیر شدن کودکان در فعالیت‌های پرخاشگرانه و مجرمانه را افزایش می‌دهد و از طرفی، فرزندپروری ناکارآمد والدین و تجارب منفی زندگی، نقش میانجی را در ارتباط بین عوامل زیستی و فرهنگی - اجتماعی با پرخاشگری بازی می‌کند [۴].

بدرفتاری دوران کودکی ارتباط نیرومندی با مشکلات بعدی بزرگسالی همانند افسردگی، اضطراب، استرس پس از حادثه و مشکلات ارتباطی دارد [۵]. همچنین ارتباط معناداری بین بدرفتاری کودکی و خشونت بزرگسالی به اثبات رسیده است، مردان یا زنانی که سابقه بدرفتاری کودکی داشته‌اند نسبت به بزرگسالانی که سابقه سوء استفاده و غفلت نداشتند، به احتمال بیشتری دست به خشونت می‌زنند و سطوح بالاتر عصبانیت و خصوصت را گزارش می‌کنند [۶]. مطالعات مختلف ارتباط معناداری را بین بدرفتاری کودکی و پرخاشگری پیدا کرده‌اند و پیشنهاد داده‌اند که این تجارب بدرفتاری نقش مهمی را در تداوم پرخاشگری بین نسلی بازی می‌کند [۷] همچنین پرخاشگری با مؤلفه‌های شخصیتی در ارتباط است، یعنی زیرساخت پرخاشگری، مؤلفه‌های شخصیتی افراد است و شناسایی مؤلفه‌هایی که با پرخاشگری ارتباط دارند، اهمیت زیادی دارد [۸].

سیستم پردازش اطلاعات شناختی افراد، یکی از مکانیزم‌های است که باعث تأثیر بدرفتاری دوران کودکی بر پرخاشگری می‌شود [۹]. طرحواره‌ها و باورهای شناختی درباره‌ی خود، دیگران و دنیا ممکن است نقش مهمی در فهم ارتباط آسیب‌زا بین تجارب بدرفتاری در دوران کودکی و پرخاشگری در بزرگسالی داشته باشد [۱۰].

یانگ، کلسو و ویشار طرحواره‌های ناسازگار اولیه را به عنوان الگوهای خودآسیب‌رسان شناختی و هیجانی تعریف می‌کنند که در اوایل زندگی ایجاد می‌شوند و در طول زندگی تکرار می‌شوند. آنها مطرح می‌کنند که طرحواره‌های ناسازگار، اغلب اوقات در محیط سمی اولیه در کودکی شکل می‌گیرند و در بزرگسالی تداوم می‌یابند. بدرفتاری دوران کودکی و شیوه‌های فرزندپروری ناکارآمد والدین، نقش مهمی در شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار دارند و این طرحواره‌های ناسازگار در بزرگسالی شیوه‌ی تعاملات فرد را تعیین می‌کند [۱۱]. مطالعات نشان داده‌اند بدرفتاری دوران کودکی، پیامدهای شدید و پایدار روان‌شناختی مانند احساس شرم، حقارت، خشم، بی‌ارزشی، بازداری هیجانی [۱۲، ۱۳]، اختلالات خلقی، اضطراب، عزت نفس پایین، حساسیت در روابط بین فردی، اختلالات خوردن و اختلالات شخصیت [۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷] را در پی خواهد داشت. نظریه‌های شناختی که سعی داشته‌اند تا ارتباط بین تجربه‌ی بدرفتاری‌های دوران کودکی و اختلالات روان‌شناختی بعدی را بر اساس مکانیسم‌های شناختی تبیین کنند [۱۱، ۱۸]، عقیده دارند که تأثیر بدرفتاری عاطفی دوران کودکی در آسیب‌شناسی روانی بعدی، ممکن است بر اساس ایجاد آسیب‌پذیری شناختی (سبک‌های اسنادی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه) تحت تأثیر قرار گیرد [۱۹، ۲۰]. مدل‌های گوناگونی نیز نشان داده‌اند که تجارب بدرفتاری می‌تواند در ایجاد آسیب‌پذیری‌های شناختی نقش داشته باشد [۷].

هدف این مطالعه ارزیابی مدل‌یابی نقش میانجی طرحواره‌های ناسازگار اولیه در رابطه میان بدرفتاری عاطفی دوران کودکی با پرخاشگری دوران کودکی است. در این مطالعه، نقش بدرفتاری عاطفی کودکی در پیش‌بینی پرخاشگری با واسطه‌گری طرحواره‌های ناسازگار مورد بررسی قرار می‌گیرد. در تحقیقات قبلی تمرکز بر ارتباط بدرفتاری جسمی و جنسی با پرخاشگری بوده است [۶، ۷] اما در این پژوهش بر بدرفتاری عاطفی کودکی و ارتباط آن با پرخاشگری بزرگسالی با بررسی نقش میانجی طرحواره‌های ناسازگار اولیه تمرکز کرده‌ایم. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا بدرفتاری عاطفی دوران کودکی به همراه نقش واسطه‌ای طرحواره‌های ناسازگار می‌تواند پرخاشگری را پیش‌بینی کند؟

روش پژوهش

از آنجا که هدف ارزیابی مدل علی است و همچنین داده های مورد نیاز از یک جامعه جمع آوری شده است، روش تحقیق همبستگی انتخاب شده است. جامعه هدف شامل تمام افراد بین ۱۸ تا ۵۰ سال می باشد، جامعه آماری پژوهش حاضر دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد و موسسات آموزش عالی شهرستان مشهد بود. حجم نمونه براساس فرمول کوکران در سطح ۵ درصد ۳۸۴ نفر انتخاب گردید. انتخاب آزمودنی ها به صورت داوطلبانه بود. بعد از کنار گذاشتن پرسشنامه های ناقص، داده های ۲۶۶ نفر مورد تحلیل آماری قرار گرفت. آزمودنی ها پرسش نامه های پرخاشگری باس - پری (AQ)، طرحواره های ناسازگار اولیه (YSQ) و پرسش نامه تجارب دوره زندگی (LEQ) به صورت داوطلبانه تکمیل کردند و برای ایجاد انگیزه برای پر کردن و صحبت داده ها، تفسیر پرسشنامه ها به صورت مفصل برای یکایک آنها ارسال گردید. در مدل مفهومی ارائه شده از الگوی معادلات ساختاری استفاده شد. الگویی معادلات ساختاری یک روش تحلیل چند متغیری نیزه مند است که از طریق آن می توان به آزمون فرضیه های مرتبه صفر پیروسون و رگرسیون همزمان استفاده شد. سپس تحلیل ها از آمار توصیفی (محاسبه میانگین، انحراف معیار، همبستگی های مرتبه صفر پیروسون و رگرسیون همزمان) استفاده شد. سپس تحلیل های مربوط به مفروضه های زیربنایی الگویی معادلات ساختار انجام گرفت. همچنین تحلیل های پیچیده تر برای ارزیابی مدل پیشنهادی انجام شد که همگی از طریق الگویی معادلات ساختاری با استفاده از روش آماری برآورد حداکثر درست نمایی اعمال شدند.

پرسش نامه پرخاشگری باس - پری (AQ) : این پرسش نامه دارای ۲۹ آیتم است و چهار عامل مختلف شامل پرخاشگری کلامی (۵ پرسش)، پرخاشگری جسمانی (۹ پرسش)، خشم (۷ پرسش). خصوصت (۸ پرسش) را مورد سنجش قرار می دهد. پاسخ های شرکت کنندگان به هر ماده روی یک مقیاس پنج نقطه ای از ۱ (اصلًا مرا توصیف نمی کند) تا ۵ (کاملاً مرا توصیف می کند) درجه بندی شده است. نتایج تحلیل روانسنجی نشان داده است که این پرسش نامه از همسانی درونی بالایی (۸۹٪) برخوردار است. همچنین همبستگی زیر مقیاس های این پرسش نامه با یکدیگر و با کل مقیاس که بین ۲۵/۴۵ تا ۲۵/۴۵ متفاوت است، بیانگر روابط مناسب این ابزار بوده است [۳]. در تحقیقی که توسط محمدی (۱۳۸۵) بر روی این پرسش نامه انجام شد، اعتبار پرسش نامه های پرخاشگری با استفاده از سه روش آلفای کرونباخ بازآزمایی و تصنیف محاسبه شد که به ترتیب ضرایب .۸۹ و .۷۸ و .۷۳ به دست آمد [۲۱].

پرسش نامه طرحواره های ناسازگار اولیه (YSQ) : این پرسشنامه که توسط یانگ (۱۹۹۰) ساخته شد، پرسشنامه خود - گزارشی طرح واره های ناسازگار اولیه، دارای ۹۰ ماده است که ۱۸ حیطه از طرح واره های ناسازگار اولیه از قبیل محرومیت هیجانی، رها شدگی / بی ثباتی، بی اعتمادی / بدرفتاری، انزوای اجتماعی / بیگانگی، نقص / بی مهری (بی عشقی) شکست در پیشرفت، وابستگی / بی کفایتی عملی، آسیب پذیری نسبت به ضرر و بیماری، گرفتاری، اطاعت، ایثار (فداکاری)، یازداری هیجانی، معیارهای سختگیرانه، استحقاق بودن / برتری داشتن، خویشتن داری / خود انصباطی ناکافی، تحسین / جلب توجه، نگرانی / بدینبینی، خود- تنیبیه را اندازه می گیرد. هنجرایی این پرسش نامه در ایران توسط آهی (۱۳۸۴) بر روی ۳۸۷ نفر از دانشجویان دانشگاه های تهران انجام شده است که همسانی درونی این پرسش نامه با استفاده از آلفای کرونباخ در افراد مؤنث ۰/۹۷ و در افراد ذکر ۰/۹۰ بود [۲۲].

پرسش نامه تجارب دوران زندگی (LEQ) : این پرسش نامه توسط گیب و همکاران (۲۰۰۱) ساخته شده است و ۸۲ آیتم آن برای سنجش تجارب سوءاستفاده و بی توجهی جسمی، سوءاستفاده و بی توجهی هیجانی و سوءاستفاده جنسی در کودکی قبل از سن ۱۵ سالگی طراحی شده است. پرسشنامه تجارب دوران زندگی دامنه های گسترده ای از انواع تجارب بدرفتاری را می سجد و این مقیاس و زیر مقیاس های آن همسانی درونی و اعتبار پیش بین خوبی را نشان می دهد این پرسش نامه ۵ زیر مقیاس دارد که عبارتند از: سوءاستفاده جسمی (۱۱ آیتم)، بی توجهی جسمی (۶ آیتم)، سوءاستفاده هیجانی (۲۷ آیتم)، بی توجهی هیجانی (۱۲ آیتم) و سوءاستفاده جنسی (۲۶ آیتم). گیب و همکاران آلفای کرونباخ این ابزار را ۰/۸۹ گزارش کرده است [۲۳]. آلفای کرونباخ خرده مقیاس بدرفتاری عاطفی در نمونه ایرانی ۰/۹۲ به دست آمده است [۲۴]. برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS و لیزرل و آزمون آماری معادلات ساختاری استفاده گردید.

یافته‌ها:

هدف از انجام این پژوهش، ارزیابی مدل علی نقش میانجیگری طرحواره‌های ناسازگار در رابطه بین تجربه‌های منفی کودکی و پرخاشگری است. به این منظور داده‌های مربوط به ۲۶۶ آزمودنی جمع‌آوری شد، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آن‌ها در جدول (۱) گزارش شده است.

جدول (۱) فراوانی آزمودنی‌ها به تفکیک جنسیت و مدرک تحصیلی

سن	مدرک تحصیلی						جنسیت					
	۴۶-۵۰	۳۱-۴۵	۱۸-۳۰	دکترا	لیسانس	فوق لیسانس	دیپلم	فوق دیپلم	سیکل	زن	مرد	فراوانی
۲۱	۵۳	۱۹۲	۷	۵۷	۱۳۱	۱۲	۵۰	۹	۱۵۰	۱۱۶	۱۱۶	۱۱۶
۷/۹	۱۹/۹	۷۲/۲	۲/۶	۲۱/۴	۴۹/۲	۴/۵	۱۸/۸	۳/۴	۵۶/۴	۴۳/۶	۴۳/۶	۴۳/۶

همان‌طور که گزارش شده، بیشتر آزمودنی‌ها، زن، دارای مدرک لیسانس و در بازه سنی ۱۸-۳۰ بودند. میانگین، انحراف استاندارد، واریانس، کجی و کشیدگی متغیرها در جدول (۲) گزارش شده است.

جدول (۲) میانگین، انحراف استاندارد، واریانس و کجی و کشیدگی متغیرها

طرحواره ناسازگار اولیه	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس	کجی	کشیدگی
-۰/۰۱	۰/۴۲	۳۶۹۱/۴۹	۶۰/۷۵	۲۲۵/۸۷	-
۰/۵۸	۰/۸۰	۳۳۷/۹۵	۱۸/۳۸	۵۲/۸۹	طرد و بریدگی
۰/۰۲	۰/۳۰	۲۲۰/۳۲	۱۴/۸۴	۵۸/۸۱	گوش به زنگی
۰/۵۳	۰/۸۲	۲۲۰/۱۸	۱۴/۳۸	۴۰/۴۹	خودگردانی مختلف
-۰/۱۲	۰/۰۱	۱۲۶/۲	۱۱/۲۳	۴۴/۱۱	دیگر جهتمندی
۰/۲۵	۰/۲۷	۷۲/۳۷	۸/۵۰	۳۰/۲۳	محدودیت‌های مختلف
۰/۰۰۸	۰/۲۲	۲۵۹/۱۴	۱۶/۹	۷۱/۲۶	پرخاشگری
۰/۰۰۴	۰/۴۹	۲۶/۲۳	۵/۱۲	۲۳/۵۵	بدنی
-۰/۲۱	۰/۴۱	۱۴/۱۸	۳/۷۶	۱۰/۷۶	کلامی
۰/۰۳	۰/۴۶	۱۶/۲۱	۴/۰۲	۱۵/۲۹	خشم
-۰/۵۱	-۰/۲۲	۲۲/۵۱	۵/۷۸	۲۱/۹۸	خصوصیت
۲/۵۹	۱/۴۴	۷۱۳/۷۹	۲۶/۷۱	۳۰/۲۳	تجارب منفی کودکی
۱/۷۵	۱/۱۹	۶۲/۱۷	۷/۸۸	۸/۷۵	عدم توجه عاطفی
۱/۹۶	۱/۵۷	۴۰۹/۲۵	۲۰/۲۳	۲۱/۵۵	سوءاستفاده عاطفی

همان‌طور که در جدول فوق گزارش شد، بیشترین میانگین در میان مؤلفه‌های متغیر طرحواره ناسازگار، مربوط به دیگر جهت‌بخشی؛ تجربه منفی کودکی، سوءاستفاده؛ و پرخاشگری، پرخاشگری بدنشی می‌شود. علاوه بر آماره‌های توصیفی فوق، با استفاده از آزمون آماری پیرسون، همبستگی دوبه‌دوی میان متغیرها و مؤلفه‌ها بررسی و نتایج آن به صورت خلاصه در جدول (۳) گزارش شد.

جدول (۳) همبستگی مؤلفه‌ها و متغیرها

۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۱
														۱. طرحواره ناسازگار اولیه
														۲. طرد و بریدگی
														۳. محدودیت
														۴. دیگر جهت بخشی
														۵. خودگردانی
														۶. گوش به زنگی
														۷. تجربه منفی کودکی
														۸. بی توجهی
														۹. سوءاستفاده
														۱۰. پرخاشگری
														۱۱. بدنی
														۱۲. کلامی
														۱۳. خشم
														۱۴. خصوصت

*P < 0/05

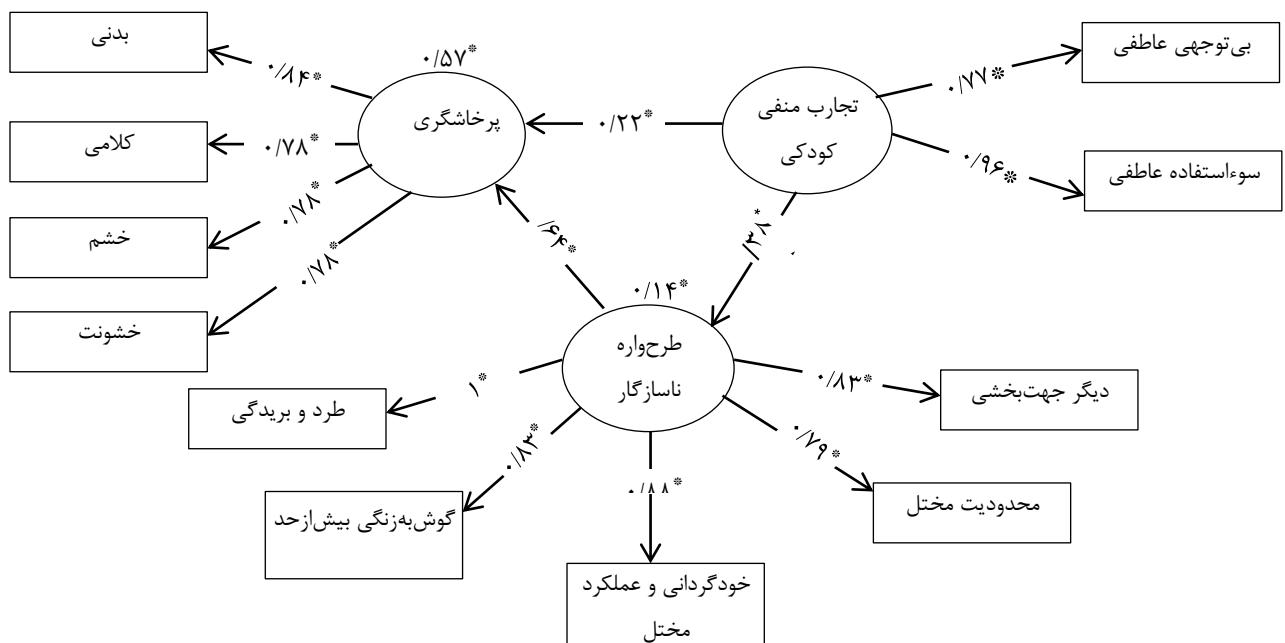
همان طور که در ماتریس همبستگی جدول (۳) فوق نشان داده شد، بیشترین همبستگی، میان تجارتی بدرفتاری عاطفی دوران کودکی با بعد سوءاستفاده عاطفی است ($r=0/98, p<0/05$) که به لحاظ آماری معنادار می‌باشد؛ و کمترین همبستگی میان بی‌توجهی عاطفی و خودگردانی مختل و گوش به زنگی است ($r=0/26, p<0/05$) که مقدار ضعیفی است اما به لحاظ آماری معنادار می‌باشد.

پرخاشگری بدنی، پرخاشگری کلامی، خصوصت و خشم در بین حوزه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه بیشترین همبستگی را با حوزه طرد و بریدگی داشته است و در بین زیر مقیاس‌های بدرفتاری عاطفی بیشترین همبستگی را با سوءاستفاده داشت.

برای ارزیابی مدل علی نقش میانجی طرحواره‌های ناسازگار اولیه در رابطه‌ی تجارتی بدرفتاری عاطفی کودکی با پرخاشگری، از آزمون آماری معادلات ساختاری استفاده شد. قبل از انجام آزمون آماری، پیش‌فرض‌های آن شامل: نرمال بودن توزیع چند متغیری، خطی بودن رابطه‌ی متغیرها، همگنی واریانس متغیرها، عدم هم خطی بین متغیرها و استقلال باقیمانده‌ها یا خطاهای از یکدیگر، آزمون شد. نتایج نشان داد که ضریب ماردیا برای تمام متغیرها کوچکتر از مقدار ۳ است، پس توزیع چند متغیری داده‌ها نرمال است ($C.R<3$), بین متغیرها رابطه خطی برقرار است ($F_{1,264}=56/19, R^2=0/18, P<0/05$), متغیرهای برون‌زا از یکدیگر مستقل هستند و هم خطی بین آن‌ها وجود ندارد tolerance= 0/81, VIF= 1/22)، بین خطاهای یا باقیمانده‌ها همبستگی وجود ندارد (Durbin-Watson 2/08) و واریانس متغیر وابسته در سطوح متغیر مستقل همگن است. بنابراین، پیش‌فرض‌های انجام معادلات ساختاری رعایت شده است و به نتایج آن می‌توان اعتماد کرد. پس از بررسی پیش‌فرض‌ها، مدل علی نقش میانجی طرحواره‌های ناسازگار اولیه در رابطه‌ی تجارتی بدرفتاری عاطفی دوران کودکی با پرخاشگری آزمون شد.

ارزیابی برازش مدل: مدل اولیه، برازش مطلوب نداشت، به همین دلیل شاخص‌های اصلاح مدل مورد توجه قرار گرفت و مدل دوباره آزمون شد. براساس شاخص‌های اصلاح، میان خطای عامل طرد و بریدگی با گوش به زنگی و دیگر جهت بخشی همبستگی وجود داشت که نیاز به ایجاد کوواریانس میان آن‌ها است. پس از اجرای شاخص‌های اصلاح مدل، شاخص‌های برازش مدل بهبود یافت.

نمودار ۱. مدل علی نقش میانجی گری طرح واره های ناسازگار اولیه در رابطه تجارب منفی کودکی با پرخاشگری



$$X^2=53/13 \quad DF=36 \quad X^2/DF=1/47 \quad RMSEA=0/042 \quad P=0/28$$

ضرایب مسیر، بارهای عاملی و ضریب تعیین متغیرها — که علامت ستاره نشان دهنده معناداری در سطح ۰/۰۰ است — و شاخصهای برازش کلی در نمودار ۱، نشان داده شد. شاخصهای کلی برازش مدل، نشان دهنده برازش مناسب مدل است، به منظور بررسی دقیق‌تر برازش مدل، سایر شاخصهای مطلق، تطبیقی و مقتضد محاسبه و در جدول (۴) گزارش شد.

جدول (۴) شاخصهای برازش مدل اصلاح شده

شاخص	مقادیر مطلوب	مقادیر آماره مدل
کای اسکوئر- خی دو (X ²)	نزدیک به صفر	۱۳/۵۵
نیکویی برازش (GFI)	>۰/۰۹	۰/۹۷
نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)	>۰/۰۹	۰/۹۴
توکر- لویس (TLI) یا برازش هنجار شده یا	>۰/۰۹	۰/۹۸
برازش تطبیقی (CFI)	>۰/۰۹	۰/۹۷
برازش نسبی (RFI)	>۰/۰۹	۰/۹۶
برازش افزایشی (IFI)	>۰/۰۹	۰/۹۹
شاخص برازش مقتضد هنجار شده (PNFI)	>۰/۵۰	۰/۶۴
برازش تطبیقی مقتضد (PCFI)	>۰/۵۰	۰/۶۵
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)	<۰/۰۵	۰/۰۴۲
کای اسکوئر به هنجار شده (CMIN/DF)	۲-۳	۱/۴۷

شاخص‌های برازش مطلق، ماتریس کوواریانس پیشنهادی مدل را با ماتریس کوواریانس داده‌های جمع‌آوری شده مقایسه می‌کنند. مدل تدوین شده توسط پژوهشگر به طور کلی تأیید می‌شود. هرچند ممکن است برخی از بخش‌های جزئی مدل به لحاظ آماری قابل قبول نباشد. شاخص‌های برازش همان‌طور که نشان داده شده است، همگی تأیید شده‌اند.

ارزیابی مدل اندازه‌گیری: بعد از بررسی شاخص‌های برازش و اطمینان از برازش مدل، بارهای عاملی (متغیر مستقل λx و متغیرهای وابسته λy) جهت بررسی دقت مدل اندازه‌گیری، محاسبه و در جدول (۵) خلاصه شد.

جدول (۵) بار عاملی متغیرهای مستقل، میانجی و وابسته در مدل اندازه‌گیری

P	t	λy	λx	مؤلفه	متغیر
<0/05	11/18		0/77	بی‌توجهی	تجارب بدرفتاری عاطفی دوران کودکی
<0/05	S ¹		0/96	سوءاستفاده	
<0/05	S	0/80		دیگر جهتمندی	
<0/05	14/39	0/82		محددیت مختل	
<0/05	15/71	0/83		خودگردانی و عملکرد مختل	
<0/05	18/63	0/80		گوش به زنگی بیش از حد	
<0/05	9/45	0/88		طرد و بریدگی	
<0/05	S	0/89		بدنی	
<0/05	14/16	0/76		کلامی	
<0/05	14/05	0/81		خشم	
<0/05	14/22	0/80		خشونت	

همان‌طور که در جدول (۵) گزارش شد، تمام بارهای عاملی معنادار است. بیشترین λx از تجارب منفی کودکی به سوءاستفاده ($\lambda X=0/96$) ($\lambda X=0/96$) و بیشترین λy از پرخاشگری به بعد بدنش ($\lambda y=0/89$, $p<0/05$) است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تمام بارهای عاملی بالا است و به لحاظ آماری معنادار هستند و دقت اندازه‌گیری متغیرها را نشان می‌دهد.

ارزیابی مدل ساختاری: پس از اطمینان از برازش و دقت مناسب مدل اندازه‌گیری، برای تعیین ضرایب مسیر مستقیم و غیرمستقیم و ضرایب تعیین متغیرها، مدل ساختاری بررسی شد که نتایج آن در جدول (۶) خلاصه شده است. ضرایب تعیین، نشان می‌دهد که تجارب منفی اولیه ۱۴٪ از واریانس پرخاشگری را پیش‌بینی می‌کند که این مقدار به لحاظ آماری معنادار است ($0/14$, $P<0/05$, $R^2=0/57$) و تجارب بدرفتاری عاطفی دوران کودکی و طرح‌واره‌های ناسازگار با یکدیگر ۵۷٪ از واریانس پرخاشگری را پیش‌بینی می‌کنند و به لحاظ آماری معنادار است ($R^2=0/57$, $P<0/05$).

جدول (۶) ضرایب مسیر مستقیم و غیرمستقیم

P	β	total	β indirect	β direct	
<0/05		0/464	0/243	0/22	تجارب بدرفتاری عاطفی کودکی <> پرخاشگری
<0/05				0/38	تجارب بدرفتاری عاطفی کودکی <> طرحواره ناسازگار
<0/05				0/64	طرحواره ناسازگار <> پرخاشگری

ضریب مسیر مستقیم تجارب بدرفتاری عاطفی کودکی به طرحواره ناسازگار ۰/۳۸ و طرحواره ناسازگار به پرخاشگری ۰/۶۴ است که آزمون T معناداری این مسیرها را نشان می‌دهد. ضرایب مسیر نشان می‌دهد که اثر کلی تجرب منفی اولیه کودکی به پرخاشگری ۰/۴۶ است که سهم مسیرهای غیرمستقیم ۰/۲۴ و مستقیم ۰/۲۲ است. پس می‌توان نتیجه گرفت که طرحواره‌های ناسازگار اولیه در نقش میانجی، رابطه‌ی میان تجارب منفی کودکی و پرخاشگری را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بحث و نتیجه گیری:

هدف این پژوهش ارزیابی مدل علی نقش میانجی طرحواره های ناسازگار اولیه در رابطه میان بدرفتاری عاطفی دوران کودکی با پرخاشگری دوران کودکی است. یافته های این پژوهش نشان داد که طرحواره های ناسازگار اولیه نقش میانجی در رابطه میان بدرفتاری عاطفی دوران کودکی با پرخاشگری دارد. تحقیقات گذشته ارتباط بین تجارب بدرفتاری دوران کودکی را با پرخاشگری بزرگسالی تایید کرده بودند، البته در این مطالعه تاکید بر تجارب بدرفتاری عاطفی دوران کودکی بوده است. همچنین در این مطالعه نقش طرحواره های ناسازگار اولیه به عنوان میانجی این ارتباط تایید شد. طبق نظریه طرحواره درمانی، بدرفتاری هایی که کودک تجربه می کند باعث به وجود آمدن طرحواره های ناسازگار اولیه در فرد می شود که در بزرگسالی به شکل رفتارها و باورهای مشکل ساز خودش را نشان می دهد [۱۱]. یکی از این رفتارهای مشکل ساز پرخاشگری می باشد. در این تحقیق به شکل گذشته نگر پرخاشگری مورد بررسی قرار گرفت و نقش واسطه ای طرحواره های ناسازگار اولیه در رابطه بین بدرفتاری هیجانی دوران کودکی و پرخاشگری مورد تایید قرار گرفت و این نتایج همسو با کالوت و اورو [۷]؛ اتکینسون [۲۵] می باشد.

یافته های مطالعه ای حاضر تاییدی بر نظریه طرحواره یانگ است. در این نظریه فرض بر این است که والدین بیشترین نقش را در شکل گیری طرحواره های ناسازگار اولیه و باورهای بنیادین دارند و این طرحواره ها بر آسیب ها و مشکلات بعدی اثر می گذارند [۱۱]. همسو با نتایج به دست آمده از این پژوهش، نظریه شناختی بک نیز بر ارتباط مراقبت کننده ها به عنوان اصلی ترین عامل در شکل گیری باورهای بنیادین تاکید می کند [۲۶]. همچنین در تایید این یافته، پژوهش های بالینی نشان می دهند در درمان بالینی پس از شناسایی و در چالش با طرحواره های ناسازگار اولیه موثر ترین روش تمرکز درمان بر کاهش نقش بدرفتاری عاطفی والدین در مقابل سایر منابع بدرفتاری عاطفی (همسالان و سایرین) در افرادی است که در بزرگسالی در گیر طرحواره های ناسازگار اولیه هستند [۲۷]. پژوهش هایی که به بررسی نقش آسیب پذیری شناختی در اختلالات روان شناختی پرداخته اند، به طور روزافزونی نشان داده اند که بدرفتاری های عاطفی نسبت به سایر شکل های بدرفتاری مانند بدرفتاری جسمی و جنسی، نقش بیشتری در شکل گیری طرحواره های ناسازگار اولیه دارند [۱۹، ۲۷].

در توجیه یافته ها باید گفت که بر اساس نظریه طرحواره، طرحواره های ناسازگار اولیه در نتیجه تداوم و شدت تجربه بدرفتاری در دوران کودکی و نوجوانی شکل می گیرند [۱۱]. با توجه به آنکه به طور معمول خانواده به عنوان اولین کانونی است که فرد در آن قرار می گیرد و حضور فرد سال های زیادی در آن تداوم دارد، اولین، قدر تمند ترین و پایدار ترین تاثیرات محیطی که فرد دریافت می کند، از محیط خانواده می باشد و حتی اثرباری فرد از سایر محیط ها می تواند تحت تأثیر فضای حاکم بر روابط او با والدین خود در خانواده باشد. به طوری که والدین و مراقبت کننده های اولیه و نحوه ارتباط و پاسخگویی والدین نقش عمد های در شکل گیری ویژگی های شخصیتی فرد و آسیب پذیری های شناختی و به طور ویژه شناخت واره های منفی او دارند. وقتی کودکی مورد بدرفتاری عاطفی قرار می گیرد، این طرحواره و باور در او شکل می گیرد که دنیا جای امنی نیست و برای کنار آمدن با نامنی و بدرفتاری دیگران، از سبک های مقابله ای استفاده می کند [۱۱]. یکی از سبک های مقابله ای رایج در مقابل بدرفتاری دوران کودکی، سبک مقابله ای جبران افراطی است و به شکل رفتار پرخاشگرانه خودش را نشان می دهد. در سبک مقابله ای جبران افراطی فرد با حمله به عامل تهدید از خود محافظت می کند، این حمله می تواند به صورت پرخاشگری کلامی یا پرخاشگری بدنی باشد.

طرحواره های حوزه طرد و بردگی به عنوان میانجی بین بدرفتاری عاطفی دوران کودکی و پرخاشگری معناداری بیشتری را نسبت به حوزه های دیگر نشان داد. افرادی که طرحواره هایشان در این حوزه قرار دارد، نمی توانند دلبستگی های این و رضایت بخشی با دیگران برقرار کنند. چنین افرادی معتقدند که نیاز آن ها به ثبات، امنیت، محبت و تعلق برآورده نخواهد شد. خانواده های اصلی آن ها معمولاً بی ثبات، بد رفقار، سرد و بی عاطفه، طرد کننده، یا منزوی هستند. این افراد معمولاً بیش ترین آسیب را دارند و در دوران کودکی بدرفتاری زیادی را تجربه کرده اند. در مجموع می توان گفت، افرادی که بدرفتاری عاطفی را در دوران کودکی خود تجربه می کنند، به احتمال بیشتری طرحواره های محرومیت هیجانی، نقص، بدرفتاری و بی اعتمادی و ازدواج اجتماعی در آن ها شکل می گیرد و این عقاید آن ها را به سمت انواع خشونت سوق می دهد. از یافته های این پژوهش می توان نتیجه گرفت که مدل علی نقش میانجی طرحواره های ناسازگار اولیه در رابطه میان بدرفتاری عاطفی دوران کودکی با پرخاشگری دوران کودکی تایید می شود.

منابع:

- [1] Sharma, A. (2011). Aggression in adolescents: inter play of family and school environment. *British Journal of Humanities and Social Sciences*, 1(2), 121-133.
- [2] براهنى، محمد نقى و همکاران. (۱۳۸۴). واژه نامه روانشناسی. تهران. فرهنگ معاصر.
- [3] Buss, A. H., & Perry, M. (1992). The Aggression Questionnaire. *Journal of Personality and Social Psychology*, 63(3), 452-459.
- [4] Dodge, K. A., & Pettit, G. S. (2003). A biopsychosocial model of the development of chronic conduct problems in adolescence. *Developmental Psychology*, 39, 349-3.
- [5] Trickett, P. K., Noll, J. G., & Putnam, F. W. (2011). The impact of sexual abuse on female development: Lessons from a multigenerational, longitudinal research study. *Development and psychopathology*, 23(2), 453-476.
- [6] Fang, X., & Corso, P. S. (2007). Child maltreatment, youth violence, and intimate partner 52 violence: Developmental relationships. *American Journal of Preventive Medicine*, 33, 281-290.
- [7] Calvete, E., & Orue, I. (2013). Cognitive mechanisms of the transmission of violence: Exploring gender differences among adolescents exposed to family violence. *Journal of Family Violence*, 28, 73-84.
- [۸] رحیمی، چنگیز. عباسی، پریناز. کشتکارقلاتی، سارا. (۱۳۹۳). "پیش بینی مولفه های مختلف پرخاشگری بر اساس پنج عامل عمده شخصیت و جنسیت در دانشجویان". *زمستان ۱۳۹۳* ، دوره ۳ . شماره ۶ . ۴۹-۷۲
- [9] Tremblay, P. F., & Dozois, D. J. A. (2009). Another perspective on trait aggressiveness: Overlap with early maladaptive schemas. *Personality and Individual Differences*, 46, 569-574.
- [10] Cullerton-Sen, C., Cassidy, A. R., Murray-Close, D., Cicchetti, D., Crick, N. R., & Rogosch, F. A. (2008). Childhood maltreatment and the development of relational and physical aggression: The importance of a gender-informed approach. *Child Development*, 79, 1736-1751.
- [11] Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (2003). *Schema Therapy: A practitioner's Guide*. New York, NY: The Guilford Press.
- [12] Harper, F. W., & Arias, I. (2004). The role of shame in predicting adult anger and depressive symptoms among victims of child psychological maltreatment. *Journal of Family Violence*, 19(6), 359-367.
- [13] Krause, E. D., Mendelson, T., & Lynch, T. R. (2003). Childhood emotional invalidation and adult psychological distress: The mediating role of emotional inhibition. *Child Abuse & Neglect*, 27, 199–213.
- [14] Hund, A. R., & Espelage, D. L. (2006). Childhood emotional abuse and disordered eating among undergraduate females: Mediating influence of alexithymia and distress. *Child Abuse & Neglect*, 30, 24-30
- [15] Kent, A., & Waller, G. (2000). Childhood emotional abuse and eating psychopathology. *Clinical Psychology Review*, 20(7), 887-903.
- [16] Mills, P., Newman, E. F., Cossar, J., & Murray, G. (2015). Emotional maltreatment and disordered eating in adolescents: Testing the mediating role of emotion regulation. *Child Abuse & Neglect*, 39, 156-166.

- [17] White, C. R., English, D., Thompson, R., & Roberts, Y. H. (2015). Youth self-report of emotional maltreatment: Concordance with official reports and relation to outcomes. *Children and youth services review*, 62, 111-112
- [18] Dozois, D. J. A., & Beck, A. T. (2008). Cognitive schemas, beliefs, and assumptions. In K. S. Dobson & D. J. A. Dozois (Eds.), *Risk factors in depression* (pp. 121–143). San Diego, CA: Elsevier Academic Press.
- [19] Gibb, B. E., Abramson, L. Y., & Alloy, L. B. (2004). Emotional maltreatment from parents, verbal peer victimization, and cognitive vulnerability to depression. *Cognitive Therapy and Research*, 28(10), 1-6
- [20] Hankin, B. L. (2005). Childhood maltreatment and psychopathology: Prospective tests of attachment, cognitive vulnerability, and stress as mediating processes. *Cognitive Therapy and Research*, 29(6), 645-671
- [۲۱] محمدی، نورالله. (۱۳۸۵). "بررسی مقدماتی شاخص‌های روانستجویی پرسش‌نامه پرخاشگری باس - پری"؛ *علوم اجتماعی و انسانی* دانشگاه شیراز.
- [۲۲] آهی، حسن. (۱۳۸۴). "بررسی ساختار عاملی فرم کوتاه پرسش‌نامه یانگ (YSQ)"؛ *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه علامه طباطبائی.
- [23] Gibb, B. E., Alloy, L. B., Abramson, L. Y., Rose, D. T., Whitehouse, W. G. Donovan, P., Hogan, M. E., Cronholm, J., & Tierney, S. (2001). History of childhood maltreatment, negative cognitive styles, and episodes of depression in adulthood. *Cognitive Therapy and Research*, 25, 425-446.
- [۲۴] فرازمند شیرین، محمدخانی پروانه، پورشهیاز عباس، دولتشاهی بهروز. (۱۳۹۶). نقش منابع بدرفتاری‌های عاطفی دوران کودکی در پیش‌بینی طرحواره‌های ناسازگار شرطی و غیر شرطی در بزرگسالی، دوره ۱۱، شماره ۴۴، ۴۶-۳۷.
- [25] Atkins, L. (2017). *Childhood Maltreatment and Adult Aggression: The Mediating Role of Maladaptive Schemas*. Miami University.
- [26] Beck, A. T., Steer, R. A., & Brown, G. K. (1996). *Manual for the beck depression inventory-II*. San Antonio, TX: Psychological Corporation, 1, 82.
- [27] McCarthy, M. C., & Lumley, M. N. (2012). Sources of emotional maltreatment and the differential development of unconditional and conditional schemas. *Cognitive behaviour therapy*, 41(4), 288-297.